



The Role of Kerman Post Office in Sacred Defence

Zahra Alavirad

Researcher of the oral History Research Group, Kerman, Iran

Abstract: In the process of every war, the military forces need morale through communicating with the back of the front and their families. The post office of Kerman province was one of the offices that played a role in this field during the holy defence. This research, based on the oral history method, based on the interviews conducted with the employees of the central post office in Kerman and other cities, seeks to answer the main question, what roles have the employees of the post office in Kerman played in the holy defence? The findings indicate that in addition to the main duty and specialty of the employees of this office, which is to establish communication between the fronts and the people, things such as donating and sending people's aid, cultural activities such as printing and distributing special stamps are also carried out by this office. In addition, the employees of this department have directly appeared on the war fronts and some of them are veterans of the holy defence.

Key Words: Post office, Letter exchange, Cultural activities, Public assistance, Veteran.

نقش اداره پست کرمان در دفاع مقدس

زهره علوی راد

پژوهشگر گروه پژوهشی تاریخ شفاهی گرا، کرمان، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۸

چکیده

نیروهای نظامی در روند هر جنگی از طریق برقراری ارتباط با پشت جبهه و خانواده خود نیاز به روحیه دارند. اداره پست استان کرمان یکی از اداراتی بود که در جریان دفاع مقدس در این زمینه نقش آفرینی می کرد. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی، با ابزار تاریخ شفاهی و با استناد به مصاحبه‌هایی که با کارکنان اداره پست مرکزی کرمان و شهرستان‌ها انجام شدند، در پی پاسخ به این پرسش اصلی است که کارمندان اداره پست کرمان چه نقش‌هایی در دفاع مقدس ایفا کرده‌اند؟ یافته‌ها حاکی از این است که در کنار وظیفه و کارویژه اصلی کارمندان این اداره، یعنی ایجاد ارتباط میان جبهه‌ها و مردم، فعالیت‌هایی همچون اهدا و ارسال کمک‌های مردمی و فعالیت‌های فرهنگی مانند چاپ و توزیع تمبرهای مناسبی نیز توسط این اداره انجام می شده‌اند. ضمن اینکه کارمندان این اداره خود به طور مستقیم نیز در جبهه‌های جنگ حاضر می شدند و برخی از جانبازان دفاع مقدس هستند.

واژه‌های کلیدی: اداره پست، تبادل نامه، فعالیت‌های فرهنگی، کمک‌های مردمی، جانباز.

مقدمه

مدیریت صحنه جنگ، به جز تأمین تسلیحات، لباس رزم، طراحی و اجرای نقشه‌های دقیق عملیاتی، آموزش‌های تخصصی و ... نیازمند توجه به جنبه‌هایی نرم‌افزارانه است تا کیفیت نیروی رزمی نیز ارتقا یابد. حفظ روحیه نیروهای رزمنده و حتی فرماندهان و نیز خانواده‌های آنان به عنوان پشتوانه روحی این افراد، از جنبه‌های نرم‌افزاری مدیریت جنگ بود که نهادها و ادارات مختلف در طول جنگ ۸ساله ایران به آن توجه داشتند. اداره پست به عنوان پل ارتباطی میان نیروهای رزمی با خانواده‌ها و پشت جبهه، در این مسیر عملکرد خود را ارائه می‌کرد.

در تاریخ جنگ‌های جهان به ویژه دو جنگ جهانی اول و دوم، نقش مبادلات پستی میان رزمندگان و پشت جبهه جالب توجه بوده است. در منابع فارسی مقاله جالب توجهی در این زمینه یافت نشد و فقط به یک مقاله چاپ‌نشده از دکتر مرجان برهانی می‌توان اشاره کرد. وی در مقاله‌ای با عنوان «بررسی مستند پیامدهای اشغال ایران در جنگ جهانی دوم بر پست و تلگراف» به در اختیار گرفتن اداره پست و درآمدهای آن به اشغالگران اشاره می‌کند.

در این پژوهش به دنبال یافتن پاسخ این پرسش هستیم که اداره پست استان کرمان چه کارویژه‌هایی در راستای پیش‌برد جنگ و تسهیل دفاع در برابر مهاجمان انجام می‌داده است؟ این کارویژه‌ها از طریق چه بسترها، نهادها و نیز با چه روشی انجام می‌شده‌اند؟

در راستای پاسخ به این پرسش، مصاحبه‌هایی با ۱۶ نفر شامل برخی از مدیران و نیز کارکنان وقت اداره پست استان کرمان انجام شده‌اند. این مصاحبه‌ها در خود شهر کرمان و نیز شهرستان‌هایی همچون رفسنجان، بردسیر، بافت و ... انجام شده‌اند. در این مسیر سعی شد تا حد ممکن با افراد مؤثر در آن زمان مصاحبه شود؛ ولی با برخی از افراد دخیل به دلایلی همچون فوت یا در دسترس نبودن مصاحبه نشد.

از کارویژه‌های اصلی اداره پست در دوران دفاع

مقدس، تبادل مرسولات پستی (عمدتاً نامه و در کنار آن تلگراف و بسته‌های پستی) بین رزمندگان و خانواده‌هایشان بوده است. اهمیت این امر تا حدی بود که در خاطرات یکی از رزمندگان به روحیه گرفتن از دریافت نامه در جزیره فاو، آن هم در شرایط عدم دسترسی به سایر وسایل ارتباطی، اشاره شده است (محمد خدایاری، ۱۳۹۱/۷/۲۹). در این مسیر، اداره پست کرمان در کنار انجام وظایف مرسوم خود در دوران صلح، دفتری با عنوان «دفتر پست راهیان کربلا» در مقر لشکر ۴۱ ثارالله واقع در شهر اهواز ایجاد کرده و به جز این، فعالیت‌های دیگری نیز در دوران جنگ ۸ساله داشته است که در ادامه، به تفصیل درباره آن‌ها بحث خواهد شد.

لازم است در ابتدای پژوهش اشاره شود در اینجا اگرچه نقش مخابرات از نظر برقراری ارتباط میان رزمندگان و خانواده‌ها به نقش اداره پست نزدیک است، با توجه به گستردگی نقش مخابرات، این موضوع مقاله و پژوهشی مجزا می‌طلبد. همچنین، باید توجه شود در آن زمان، بسیاری از منازل از تلفن شخصی بی‌بهره بودند و عمده ارتباطات با خانواده‌ها از طریق نامه‌نگاری انجام می‌شد.

• کارکنان و نیروها

پیش از بررسی اقدامات اداره پست، لازم است به روحیات نیروها و کارکنان اداره پست که در طول سال‌های دفاع مقدس خدمت می‌کردند، اشاره شود. در گفت‌وگویی که با کارکنان این اداره انجام شده، عمدتاً به سوابق مذهبی، ایثارگری و حضور در جبهه و علاقه به کار برای رزمندگان اشاره شده است. برای مثال، زنگی‌آبادی از کارکنان پست می‌گوید: «از خانواده ما برادرم جبهه بود که در کربلای ۵ شهید شد. در شلمچه در عملیات کربلای ۵ شهید شد. با هم بودیم. برادر طلبه شهید علی زنگی‌آبادی هستیم. ... خانواده مذهبی و انقلابی داشتیم.» (عباس زنگی‌آبادی، بی‌تا). یکی دیگر از کارمندان وقت اداره پست با اشاره به سوابق مبارزاتی خود قبل از انقلاب، به دستگیری در جریان واقعه مدرسه فیضیه، پخش اعلامیه مربوط به

اداره بودند. ایشان در بسیج گفتند کار نیروهای ما حداقل این است که نامه‌های رزمنده را از شهرهای مختلف می‌رسانند.» (سید محمد پورصادقی، ۱۳۹۱/۷/۲۶).

مهدی‌زاده از مسئولان پست شهرستان کرمان در این زمینه می‌گوید:

«به عنوان آخرین پست خدمتی، از ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۵ معاون اداره کل پست استان بودم که بازنشسته شدم. ... با توجه به شروع جنگ تحمیلی و با توجه به اینکه همه دستگاه‌ها خدمتی ارائه می‌دادند، ما ستادی تشکیل دادیم و پست راهیان کربلا را در مقر لشکر ۴۱ ثارالله ایجاد کردیم. ستاد متشکل از مدیر کل (حسین شیروانی)، معاون (بنده)، رئیس اداره تجزیه و مبادلات (آقای علیرضا ایرانمنش)، رییس اداره باجه‌های پستی (عباس کاظمی) و رئیس اداره مالی (رحمی؟) و رئیس حراست (حاج آقا احمدی) بود. مسئولیت اعزام نیروها را به عهده داشتیم. هر ۴۵ روز یک بار ۴ یا ۳ نفر نیرو به اداره پست راهیان کربلا اعزام می‌کردیم. کارهای پشتیبانی را انجام می‌دادیم. کار پست، اجرایی است. ستاد اجرایی بودیم. باید هماهنگ می‌کردیم. اگر نیرویی اعزام می‌کردیم، نباید کارش بماند تا نامه‌های مردم معطل شود.» (عباس مهدی‌زاده، ۱۳۹۱/۷/۲۳).

روال کار به این صورت بود که کارکنان برای اعزام ابتدا اسم‌نویسی می‌کردند و سپس در تاریخ مقرر ۳ الی ۴ نفر در یک مأموریت برای اعزام، انتخاب می‌شدند. این افراد باید خود را به اداره کل پست در کرمان معرفی می‌کردند و بعد از توجیه شدن توسط رئیس، کارهای اعزام از طریق بسیج انجام می‌شد. در نهایت، نیروها به منطقه اعزام می‌شدند و کار را با حضور مسئول، از نفرات قبلی تحویل می‌گرفتند. پس از گذراندن مدت مقرر نیز دوره مأموریتی به پایان می‌رسید و با گروه جدید جایگزین می‌شدند.

مسئولان اداره پست نیز خود در این شیفت‌بندی‌ها حضور داشتند و مأموریت در دفتر پست راهیان کربلا را نیز به انجام می‌رساندند (همان). برخی از نیروها نیز استثنائاً برای مأموریت‌های دیگری مانند راندگی از طریق پست به جبهه اعزام شدند (نصرت‌الله کامکار، ۱۳۹۱/۸/۱۱).

شهادت سید مصطفی خمینی و سایر فعالیت‌های مربوط اشاره می‌کند (سید محمد پورصادقی، ۱۳۹۱/۷/۲۶). همین باورها و سوابق سبب می‌شد کارمندان پست در ایفای وظایف خود در دوران دفاع مقدس نیز هدفی ویژه داشته باشند؛ «پیامبر اکرم گفت یک نامه به خانواده برسد ثوابش اندازه جهاد است. دوست داشتیم نامه رزمنده‌ها را برسانیم. هر سه برادر در جنگ بودیم. برادر کوچک‌ترم جانباز ۲۵ درصد است. یا جبهه بودیم یا پشت جبهه بودیم. هر سه برادر در جبهه بودیم.» (حسین باقری‌نژاد، ۱۳۹۱/۸/۲۴).

• اعزام نیرو به جبهه

چنانچه یاد شد، کارمندان اداره پست سابقه اعزام به جبهه را داشتند. نیروهای اداره پست به دو صورت در جبهه حضور می‌یافتند. برخی به صورت نوبتی و منظم به دفتر پست راهیان کربلا در مقر لشکر ۴۱ ثارالله اعزام می‌شدند. برخی دیگر نیز دوران سربازی خود را در جبهه گذرانده بودند و بعد به اداره پست استان کرمان پیوستند یا در زمان اشتغال در این اداره با گرفتن مرخصی به عنوان نیروی داوطلب اعزام می‌شدند. در ادامه، به شواهدی از هر دو نوع اعزام اشاره می‌شود.

به جز نیروهایی که در دفاتر پست شهرستان‌ها و مرکز استان کرمان، در کنار کارهای پستی مرسوم، امورات پستی مربوط به جنگ را انجام می‌دادند، برخی از نیروها نیز به صورت منظم و نوبتی به منطقه اعزام می‌شدند تا تبادل مرسولات پستی را در جبهه سامان‌دهی کنند. یکی از کارمندان در گفته‌های خود به دلیل ضرورت اعزام نیروهای اداره پست چنین اشاره می‌کند: «رزمندگان به کسانی نیاز داشتند که مرسولات را برسانند و کارهای امربر را انجام بدهند؛ در نتیجه، از نیروهای اداره پست استفاده کردند. کار امربر این است که گاهی نامه‌ای از ستاد به خط مقدم برسد. خبر و نامه را جابه‌جا می‌کند. اداره پست اهواز نمی‌توانست هر روز نیروهایش را در لشکر ثارالله مستقر کند. ناچار از اداره پست استان‌ها، هر شهری برای کارهای پستی لشکرش در مناطق عملیاتی و استقرارشان استفاده می‌کرد. در استان کرمان، حاج آقا احمدی آن زمان مسئول حراست

هزینه درمان و نیز احوال‌پرسی و دل‌جویی انجام می‌شدند. یکی از کارکنان در این زمینه می‌گوید: «وقتی جبهه بودم دو تا بچه داشتم. پسر بزرگم موتور بهش زد پایش را شکسته بود. از طرف اداره پست، بردند پایش را گچ گرفته بود و برگردانده بودند خانه. یکی از همکارهایم دیده بود صحنه را خبر داده بود. از نظر مادی، البته ما برای مادیات نرفته بودیم، ولی کمکی هم نمی‌شد.» (حسین یوسفی، ۱۳۹۱/۷/۲۶).

به‌جز اعزام نوبتی و مداوم نیروهای اداره پست به دفتر پستی راهیان کربلا، برخی از نیروها نیز یا پیش از استخدام به صورت سرباز در جنگ شرکت می‌کردند یا با گرفتن مرخصی از اداره به عنوان نیروی داوطلب در قالب گروه‌های رزمی و برای شرکت در عملیات‌ها اعزام می‌شدند. برخی از این نیروها با وجود گذراندن دوره سربازی پیش از استخدام، با شروع جنگ دوباره به خدمت فراخوانده شدند؛ «۱۳۵۹ زمانی که عراق حمله کرد، اعلام کردند منقضی‌های سال ۵۶ خودشان را معرفی کنند. هنوز بسیج تشکیل نشده بود. من و همکارم آقای صالحی شرایط را داشتیم. گفتم من دارم می‌روم. چون برای انقلاب از جان گذشته بودیم. با ایشان رفتیم کرمان و از کرمان به توپخانه اصفهان اعزام شدیم. ... مدت ۶ ماه در اندیمشک بودم. نگرهبانی هم می‌دادیم. عملیاتی هم قرار بود انجام بشود که لغو شد. بعد هم آمدم مرخصی.» (عباس مهدی‌زاده، ۱۳۹۱/۷/۲۳).

عده‌ای از نیروهای اداره پست نیز در قالب نیروهای داوطلب مردمی شرکت می‌کردند. با توجه به حجم کاری زیاد چه در سطح شهر و چه در پست راهیان کربلا، این امر چندان آسان و میسر نبود. زنگی‌آبادی در این باره می‌گوید:

«جبهه رفتن من خدایی بود. با آن همه سختی همه می‌خواستند بروند جبهه. وقتی می‌رفتم پیش مدیرکل‌ها می‌گفتند هیچ کس جایز نیست بگذاریم بروی. من التماس می‌کردم و حتی پیش مدیرکل می‌ایستادم که باید بگذری بروم. حتی یک بار وقتی رفتم ۲ ماه در سپاه همکاری داشتم. ... من بیشتر در جبهه راننده در خط مقدم

اعزام از طریق دفتر پستی، فرصتی برای نیروهای مشتاق اداره پست بود که به دلایل مشکلات شخصی نمی‌توانستند به عنوان رزمنده در جبهه شرکت کنند؛ «من پدر و مادرم مسن و بیمار بودند و برادرم فوت شده بود. نمی‌توانستم آن‌طور که می‌خواهم جبهه بروم. تاریخ اعزام من از اداره پست ۱۳۶۵/۹/۱۹ تا ۶۵/۱۱/۴ به مدت ۴۶ روز بود. به دلیل مشکلات خانوادگی همین یک بار اعزام شدم. رفتیم اهواز لشکر ۴۱ ثارالله. از طریق پادگان شهید بهشتی با اتوبوس اعزام شدم. اینجا بچه‌ها نمی‌خواستند بروند. من خودم می‌خواستم بروم.» (محمد سالاری، ۱۳۹۱/۸/۲۲).

درباره آموزش رزمی نیروهای اعزامی نقل‌های مختلفی بیان شده‌اند. یکی از افراد اعزامی سال ۶۶ به گذراندن آموزش نظامی در فتح‌آباد بافت اشاره دارد (بهمین حسن‌پور، ۱۳۹۱/۸/۲۸). برخی نیز بیان کردند با توجه به گذراندن آموزش نظامی در دوران سربازی، نیاز به آموزش مجدد وجود نداشت (سید محمد حسینی، ۱۳۹۱/۸/۲۲). در کل، می‌توان گفت با توجه به اینکه نیروهای اداره پست، پیش از استخدام سربازی را گذرانده بودند و وظیفه محول‌شده به آن‌ها در منطقه نیازی به آموزش نظامی نداشت، پیش از اعزام ملزم به گذراندن دوره‌های آموزشی نبودند. فقط در مواردی که اداره پست مانند سایر ادارات و ارگان‌ها آموزش نظامی برگزار می‌کرد، برخی از کارمندان برای شرکت در این دوره‌ها معرفی می‌شدند.

گفتنی است، پیش از اعزام نیروها به اهواز، طی مراسمی با حضور مسئولان اداره پست و فرماندهان نظامی، این کارمندان نسبت به مأموریت خود توجیه می‌شدند؛ «فرماندهان لشکر، وقت اعزام نیرو می‌آمدند برای تشویق نیروها صحبت می‌کردند. گاهی استاندار و امام‌جمعه در مراسمات ما بودند. گاهی برای ترغیب کارمندان به اعزام، روحانیونی که می‌آمدند نماز بخوانند یا مدیریت، مسئولان ستاد یا حراست برای این منظور حرف می‌زدند. بیشتر روحانی صحبت می‌کرد.» (عباس مهدی‌زاده، ۱۳۹۱/۷/۲۳).

مسئولان اداره پست سعی داشتند در غیاب نیروهای اعزامی به عنوان سرپرست و نان‌آور خانواده، از خانواده آن‌ها حمایت کنند. این اقدامات در حوزه سرکشی، تقبل

کربلای ۵ شرکت داشتم.» (حسین باقری نژاد، ۱۳۹۱/۸/۲۴). در یک جمع‌بندی، می‌توان گفت کارکنان اداره پست به صورت مأموریتی برای کار در دفتر پستی راهیان کربلا یا سایر مأموریت‌ها (در موارد معدود، برای مثال به عنوان راننده)، سرباز، نیروی رزمی یا خدماتی به جبهه اعزام می‌شدند.

امکانات و وسایل برای انجام مأموریت در دفتر پستی راهیان کربلا

اداره پست در کنار اعزام نیرو، امکانات و تجهیزاتی نیز در اختیار نیروها قرار می‌داد تا کار پیگیری و توزیع مرسولات پستی برای رزمندگان را انجام دهند. برخی از این تجهیزات با هماهنگی با لشکر ۴۱ ثارالله دریافت می‌شدند؛ زیرا محل استقرار دفتر پستی داخل مقر لشکر در اهواز بود. از نظر وسایل حمل‌ونقل و نیز محل کار و ابزار مورد نیاز گفته شده است: «در اهواز پست راهیان کربلا بودم. ماشین جیب ارتشی دستمان بود. البته اداره پست هم ماشین می‌داد ولی ما استفاده نمی‌کردیم. موتور یاماها ۱۰۰ داشتیم. پست راهیان کربلا کانکسی داشت. بخشی از آن محل خواب و بخشی برای کار بود. امکانات خوبی هم داشت مثل حمام، جای خواب، شیر آب، میز و صندلی، تمبر و ماشین هم اداره می‌داد. مزدا قدیمی داشتیم. از ماشین اداره استفاده نکردیم.» (سید محمد پورصادقی، ۱۳۹۱/۷/۲۶). نیز اینکه؛ «تمام وسایل کانکس ما و صبحانه و نهار و شام مال لشکر بود. پست فقط یک ماشین و وسایل داده بود. ۳۵ کیلومتر از مقر تا لشکر فاصله بود.» (مهدی شجاعی، ۱۳۹۱/۷/۱۶).

به جز تجهیزات اشاره‌شده، یکی از ابزارهایی که در اختیار کارکنان پست قرار داشت و در واقع بیشتر برای آسایش و راحتی رزمندگان در نظر گرفته شده بود، پاکت‌های پستی مخصوصی بود که به آن اروگرام گفته می‌شد. چنانکه از صحبت‌های بیشتر نیروهای دفتر پست راهیان کربلا برمی‌آید، این پاکت‌ها به نحوی بود که نیاز به الصاق تمبر نداشت و رزمندگان می‌توانستند به صورت رایگان نامه خود را پست کنند؛ «نوعی کاغذ نامه

بودم. تدارکات را می‌رساندم. مواد غذایی، سوخت و مهمات هرچی لازم بود. حتی گاهی یک بار ۴۰۰ مین را سوار کردم بردم. با خنده می‌گفتم کماج می‌برم برای عراقی‌ها چون شکل کماج بودند. رانندگی از همه‌چیز خطرناک‌تر بود. زیر نظر مسئول تدارکات بودم. در عملیات کربلای ۵ بعضی از راننده‌ها می‌ترسیدند جلو بروند. کمپرسی‌هایی بودند که راننده‌هایشان را می‌خواستند و اجباری می‌فرستادند. راننده‌ها جرئت نمی‌کردند جلو بروند. من گواهینامه پایه ۱ داشتم. سوار می‌شدم و جلو می‌رفتم. مسئول شناسایی شهدا هم بودم. در طریق‌القدس مسئول تعاون شدم.» (عباس زنگی‌آبادی، بی‌تا).

پورصادقی نیز یکی دیگر از نیروهایی است که به دلیل علاقه به شرکت در جبهه و انجام کارهای رزمی خود را به عملیات رسانده بود. او در نهایت در عملیات کربلای ۱ و به عنوان کمک‌آرپی جی‌زن حاضر شد (سید محمد پورصادقی، ۱۳۹۱/۷/۲۶).

برخی دیگر از نیروها نیز که امکان شرکت در نبرد را نداشتند از هر تخصصی که داشتند در مسیر جنگ استفاده می‌کردند. برای مثال، یکی از این افراد اعلام می‌کند به عنوان آپارتچی در قسمت تعمیران ماشین‌ها و در پشت خط خدمت می‌کرده است (محمد امیرمجاهد، ۱۳۹۱/۷/۲۶).

باقری نژاد نیز از نیروهای بالادستی اداره پست است که پیش از ورود به این اداره یک بار از طریق جهاد سازندگی در جبهه حضور یافته است. پس از استخدام و اشتغال در سمت معاونت نیز مجدداً به عنوان نیروی رزمی به جبهه اعزام شده است. وی در شرح این اعزام‌ها می‌گوید:

«سال ۶۳ و ۶۵ رفتم. (سال ۶۳) از طرف اداره ستاد بازسازی از استانداری آقای گنجعلی‌خانی مسئول بود. ما را معرفی کردند سه ماه بستان بودیم. معاون ستاد و بعد مسئول ستاد بودیم. سال ۶۵ از طریق بسیج رفتیم. ... در اداره هم من معاون بودم و شاید خیلی تمایل نداشتند من بروم. از طریق بسیج رفتم کرمان با سپاهیان محمد رسول‌الله در زمستان رفتیم سد دز. نیروها آنجا بودند. قبلاً آموزش دیده بودیم. یک ماهی هم سد دز بودیم. فقط در عملیات

الف) مبادله نامه

تبادل نامه هم به دلیل تسهیلاتی که اداره پست در اختیار رزمندگان قرار داده بود، با استقبال روبه‌رو شده بود. در کنار این امر، دلایل دیگری نیز موجب اقبال رزمندگان به استفاده از نامه شده بود. یکی از رزمندگان واحد مخابرات در این باره می‌گوید: «برای برقراری ارتباط در جبهه با خانواده اوایل تلفن نبود. سال ۶۴ در اهواز در خیابان در صف می‌ایستادیم. اواخر جنگ هم تلفن خیلی کم بود و برای مسئولان بود. از نظر امنیتی هم درست نبود و ممکن بود حرف‌های ما شنود شود. جو طوری نبود که بخواهیم خانه برویم. بیشتر از طریق نامه ارتباط داشتیم.» (ماشاءالله شادمان، بی‌تا).

تبادل نامه در جبهه در دو بخش کلی انجام می‌شد:

خدمات پستی در منطقه جنگی

بخشی از خدمات پستی ارائه‌شده شامل دریافت نامه از رزمندگان برای خانواده‌ها و نیز تحویل دادن نامه‌های ارسالی از پشت جبهه بود. بیشتر فعالیت در این زمینه در خود مقر لشکر و دفتر پستی راهیان کربلا انجام می‌شد. کار این دفتر پستی تعطیلی نداشت و با توجه به حجم زیاد مبادلات نامه هر روز دنبال می‌شد؛ «کار ما در جبهه این بود که از صندوق‌های لشکر، نامه‌ها را جمع‌آوری می‌کردیم و تحویل پست اهواز می‌دادیم تا به دست خانواده‌های رزمنده‌ها برسند. از اهواز هم محموله‌های پستی رزمندگان را تحویل می‌گرفتیم و تجزیه می‌کردیم و گردان به گردان، تحویل می‌دادیم.» (حسین یوسفی، ۱۳۹۱/۷/۲۶). یکی از کارکنان به خاطر می‌آورد نام صندوق پستی مربوط به لشکر ۴۱ ثارالله کرمان در اداره پست اهواز ۸۶-۱۱ بود. (محمد سالاری، ۱۳۹۱/۸/۲۲).

تبادل مرسولات پستی بین کرمان و اهواز عمدتاً به صورت مستقیم انجام می‌شد و در مسیر نامه‌ها در شهر دیگری توقف نداشتند؛ «روزی یک بار پست از سراسر اهواز به جبهه می‌آمد. به خاطر راحتی رزمنده‌ها در پست، یک کیسه مخصوص بین اهواز و کرمان ردوبدل می‌شد.

مخصوصاً، لشکر با اداره پست طراحی کرده بودند. داخلش نامه نوشته می‌شد و تا می‌شد. روی هم می‌آمد. خودش جای چسب داشت و جای گیرنده و فرستنده داشت و تمبر نمی‌خواست و رایگان بود. کاغذ نامه همان پاکت نامه بود. پاکت نامه و مهرها را از اداره پست کرمان می‌گرفتیم. پاکت‌ها را داخل خط و گردان‌ها توزیع می‌کردند. هر جا می‌رفتیم زیاد توزیع می‌شد. در اختیارم بود. چند تا پاکت نامه همیشه همراهم بود اگر کسی می‌خواست بهشان می‌دادم. کمبودی نبود.» (احمد حاتمی، بی‌تا).

به جز اینکه اداره پست کرمان و لشکر ۴۱ ثارالله می‌بایست امکانات لازم را در اختیار کارکنان اعزامی قرار می‌دادند، اداره پست اهواز نیز در این زمینه نقش معین و کمکی داشت. همچنین، نیروهای دفتر باید مدیریت صحیحی در زمینه استفاده از امکانات و تجهیزات اعمال می‌کردند و موجودی مخزن را همواره بررسی می‌کردند. در این زمینه، گفته شده است: «امکانات از طرف اداره پست کرمان با هماهنگی پست اهواز برای کانکس هماهنگ شده بود. امکانات را پست کرمان می‌فرستاد پست اهواز و ما از آنجا می‌گرفتیم. پست اهواز واسطه بود. نامه درخواست می‌دادیم از طریق پست اهواز و وسایل با کیسه مهرشده تحویل می‌گرفتیم. دو سه روز قبل از تمام شدن وسیله‌ها درخواست می‌دادیم که کمبود نداشته باشیم. بعضی از کمبودها با اداره کل هماهنگ می‌شد که به ما تحویل بدهند.» (سید محمد حسینی، ۱۳۹۱/۸/۲۲).

مبادلات پستی

چنانکه در ابتدا اشاره شد، اصلی‌ترین کارکرد و عملکرد اداره پست در زمان جنگ تحمیلی و در راستای کمک به امر جنگ، مدیریت مرسولات پستی میان رزمندگان و خانواده‌ها بوده است. مبادلات پستی میان جبهه و پشت جبهه شامل چند مورد یعنی نامه، بسته‌های حاوی لباس و خوراک، پول و تلگراف و در موارد معدود پیام تصویری می‌شده است.

رویشان بود. تفکیک می‌کردیم. نامه‌ها با کیسه برزنتی پلمپ شده می‌آمدند. من همه‌جا می‌رفتم تا شوش و سد دز. توزیع نامه زمان خاصی نداشت. اگر بیمه‌ای برای رزمندگان می‌فرستادن، اگر نصف شب هم می‌آمدند، بهشان می‌دادیم. به عنوان پیک اخبار مسائل جنگی را ردوبدل می‌کردیم. احمدنامی بود راننده پست بود. چشمه‌ایش در اثر شیمیایی کم‌نور شده بود. همکار ما بود. در توزیع نامه‌ها هر لشکر نامه‌های خودش را از پست اهواز جدا تحویل می‌گرفت. تعدادی نیرو در پست اهواز گذاشته بودند برای تفکیک و توزیع نامه‌ها در محل اداره.» (بهمن حسن‌پور، ۱۳۹۱/۸/۲۸).

برای ارسال نامه توسط رزمندگان و راحتی کار آن‌ها، صندوق‌های پستی نیز در لشکر تعبیه شده بودند که رزمندگان نامه‌های خود را در آن‌ها می‌انداختند (مهدی شجاعی، ۱۳۹۱/۷/۱۶). نامه‌های ارسالی رزمندگان برای خانواده‌ها نیز بر مبنای شهرهای مقصد دسته‌بندی می‌شدند (حسین یوسفی، ۱۳۹۱/۷/۲۶).

یکی از نکات مهم در توزیع نامه‌ها ارتباط با حراست بود. از آنجا که ممکن بود رزمنده‌ای ناخواسته در نامه اسرار نظامی را فاش کند یا احیاناً ستون پنجم و جاسوسان جنگی از نامه برای تبادل اطلاعات و ارتباط گرفتن با یکدیگر استفاده کنند، لازم بود گاهی توزیع نامه‌ها توسط حراست بررسی شود؛ «گاهی نماینده‌ای را به ما معرفی می‌کردند تا نامه‌ها را به او تحویل دهیم. اگر نمی‌آمد، به دستور حراست، چراغ‌خاموش می‌رفتیم نامه‌ها را تحویل می‌دادیم. ما زیر نظر حراست کارمان را انجام می‌دادیم. هر چند وقت یک بار برای کنترل نامه‌ها این کار انجام می‌شد.» (حسین یوسفی، ۱۳۹۱/۷/۲۶). این مراقبت‌ها قبل از هر عملیات محسوس‌تر بود؛ به نحوی که نزدیک روزهای عملیات، نامه‌ها تبادل نمی‌شدند. یک الی دو روز بعد از اتمام عملیات، مجدداً روند تبادل نامه‌ها از سر گرفته می‌شد (محمد سالاری، ۱۳۹۱/۸/۲۲).

خدمات پستی ویژه خانواده رزمندگان در استان

کرمان

به تناسب حجم نامه‌ای که از پشت جبهه برای

الان کرمان و اهواز پست مستقیم ندارد، اما آن زمان برای خدمت دادن به رزمندگان این امر وجود داشت تا نامه‌های رزمندگان زودتر برسد.» (احمد حاتمی، بی‌تا). در برخی از نقل‌ها بیان شده است مرسولات یک توقف کوتاه در اصفهان داشتند و از آنجا به مقصد بعدی ارسال می‌شدند (سید محمد پورصادقی، ۱۳۹۱/۷/۲۶). به طور کلی، متوسط زمان ارسال تا تحویل یک نامه در مواقع عادی و غیرعملیات، بین دو تا سه روز بیان شده است (سید محمد حسینی، ۱۳۹۱/۸/۲۲).

در رابطه با نحوه تبادل این مرسولات نیز نقل‌های متفاوت وجود دارند که برخی به ارسال هوایی و تعدادی به نوع زمینی آن و از طریق کامیون‌های مخصوص اشاره می‌کنند (احمد حاتمی، بی‌تا). در یک جمع‌بندی در رابطه با نحوه ارسال زمینی یا هوایی مرسولات پستی، می‌توان به گفته‌های مهدی‌زاده به عنوان یکی از مسئولان امر اداره پست کرمان در آن زمان اشاره کرد که بیان می‌کند ابتدا مرسولات پستی با خطوط هوایی ارسال می‌شدند، اما از آنجا که مقرون‌به‌صرفه نبود، این کار تداوم چندانی نداشت (عباس مهدی‌زاده، ۱۳۹۱/۷/۲۳).

نامه‌های رزمندگان پس از رسیدن به اهواز، وارد دفتر پست این استان می‌شدند. پس از دریافت نامه‌ها، روال کار تجزیه و تحویل به شرح زیر انجام می‌شد: «نامه‌ها را بر اساس گردان‌های موجود در لشکر، تجزیه و دسته‌بندی می‌کردند. نامه‌های مربوط به هر گردان به نماینده مخصوصی که توسط خود لشکر تعیین می‌شد تحویل داده می‌شد و توزیع نامه‌ها در گردان عمدتاً به عهده همین نماینده‌ها بود؛ «نامه‌ها را از پست اهواز می‌گرفتیم. پست کرمان در لشکر راهیان کربلا داشت. توزیع با راهیان بود. من در توزیع هم بودم. نامه‌ها کدبندی داشت و هر گردان کدی داشت. پیک گردان می‌آمد. معرفی شده بود و نامه‌ها را برای هر گردان تحویل می‌گرفت. زمانی که عملیات بود، نامه توزیع نمی‌شد و برای کرمان هم ارسال نمی‌شد. ... حجم نامه‌ها متفاوت بود. روزانه حدود بیشتر از ۲۰۰۰ نامه توزیع می‌شد. کارهای پیک را انجام می‌دادیم. نامه‌ها را جداسازی می‌کردیم. قفسه‌هایی داشتیم که اسم گردان‌ها

یکی دیگر از کارکنان پست اشاره می‌کند بنیاد شهید نیز مجله‌هایی را برای خانواده‌ها شهدا و جانبازان می‌فرستاد که مسئولیت توزیع آن‌ها نیز طبیعتاً به عهده اداره پست بود (سید محمد حسینی، ۱۳۹۱/۸/۲۲).

ب) ارسال تلگراف و پست تصویری

اگرچه عمده مبادلات پستی در زمان جنگ در قالب نامه انجام می‌شد، در مواردی جزئی اشاره شده است اداره پست امور مربوط به مبادله تلگراف را نیز انجام می‌داده است. باید توجه داشت تلگراف زیرمجموعه کاری مخابرات بوده و فقط در مواردی معدود، توزیع تلگراف‌ها در دفتر پستی راهیان کربلا انجام می‌شده است؛ «تلگراف هم همراه نامه‌ها بین رزمندگان توزیع می‌شد. می‌رفتیم مخابرات اهواز برای تحویل گرفتن تلگراف. البته رزمندگان بیشتر نامه می‌دادند. تلگراف مشکل بود. باید در مرخصی می‌رفتند مخابرات مرکزی. نامه را در منطقه هم می‌توانستند بنویسند.» (سید محمد حسینی، ۱۳۹۱/۸/۲۲).

یکی از موارد معدود مبادلات دیگر که به آن اشاره شده است، تبادل پیام‌های تصویری میان رزمندگان و خانواده است. این امر به عنوان جایگزین تلگراف که مربوط به مخابرات بود یاد شده است که در موارد فوری استفاده می‌شد. با توجه به اینکه این گفته در صحبت‌های مهدی‌زاده معاون وقت مخابرات مطرح شده است، می‌توان به استناد آن تکیه کرد؛

«اگر خانواده رزمندگان می‌آمدند برایشان پیامی به صورت پست تصویری می‌فرستادیم به اهواز. دو مرکز دستگاه فرستنده و گیرنده داشتند. پیام را روی کاغذ A4 می‌گذاشتند می‌فرستادیم به پست اهواز. این پیام یا می‌رفت دفتر پست راهیان کربلا یا نماینده‌ها. پست تصویری زودتر از نامه می‌رسید. این کار ساعت خاصی از روز انجام می‌شد. با پست اهواز هماهنگ کرده بودیم که این ساعت مال کرمان است و پیام‌ها مبادله می‌شد. موضوع این پیام‌های تصویری بیشتر دادن خبر سلامتی بود. پیام بازی بود و محتویاتش خوانده می‌شد. ما هم یک ساعتی با شهرستان‌ها قرار داشتیم مخابره می‌شد. همه این کارها

رزمندگان ارسال می‌شد، از سوی رزمندگان نیز نامه‌هایی برای خانواده‌ها ارسال می‌شد که ممکن بود حتی تعداد بیشتری را نیز در بر گیرد؛ زیرا ممکن بود هر رزمنده برای چند نفر نامه بنویسد و ارسال کند. مأموران اداره پست و مسئولان مربوط اهتمامی ویژه به رساندن نامه رزمندگان به خانواده و آشنایان داشتند؛ زیرا رساندن خبر سلامتی برای خانواده اهمیت زیادی داشت.

همچنین، کارمندانی که در محل اداره خدمت می‌کردند، نامه‌هایی که خانواده‌ها برای رزمندگان فرستاده بودند را از سطح استان جمع‌آوری و به مرکز استان ارسال می‌کردند تا جمع و به اهواز منتقل شوند؛

«در برگشت از مأموریت، در پست پابدانا هم مسئول دفتر بودم هم نامه‌رسان. بین ۸-۹، نامه‌ها از کرمان می‌رسیدند. حوالی ۱۱ شروع به نامه‌رسانی می‌کردم تا ۶ عصر. عملیات کربلای ۴ یا ۵ بود، این قدر نامه رسید که حدود ۲۰۰ نامه برای بچه‌هایی بود که شهید شده بودند و خانواده‌هایشان برایشان فرستاده بودند. نامه را نگه می‌داشتیم تا به دست خانواده نرسد و ناراحت نشوند. شاید از نظر قانونی هم درست نبود. نامه‌رسانی در جنگ واقعاً خسته‌کننده بود. ده کیلو نامه! ساعت ۹ حرکت می‌کردم و تا ۶ عصر مشغول بودم. نامه‌ها را از صندوق‌ها جمع می‌کردیم و گونی‌ها را می‌فرستادیم کرمان. آن دوران واقعاً حجم کار اداره پست زیاد بود. دلمان گرم بود که با وجود سختی‌ها خدمت می‌کنیم. ... نامه‌های اسرا از طریق هلال‌احمر مبادله می‌شدند. اما اوایل، به اداره پست تحویل می‌داد. گاهی پیش می‌آمد که عضو خانواده‌ای مفقودالثر بود. اولین نامه‌شان را که می‌آوردند بیت شعری پشتش نوشته بود. بعد از مدتی هلال‌احمر خودش نامه‌ها را توزیع می‌کرد تا زودتر برسند. بعضی جاها هلال‌احمر دسترسی نداشت یا ماشین کافی نداشت، برای همین تحویل پست می‌داد. اداره پست پابدانا هر روز نامه زیادی داشت و خودم تنها بودم. خسته هم نمی‌شدم. نزدیک ۱۰۰۰ نامه توزیع می‌کردم. خوشحال بودیم نامه از رزمنده می‌رسید و خانواده‌ها بیشتر خوشحال می‌شدند. کاش نامه بیشتر بود بیشتر خوشحال می‌شدیم.» (احمد حاتمی، بی‌تا).

زیر نظر ستاد بود.» (عباس مهدی‌زاده، ۱۳۹۱/۷/۲۳).

به نظر می‌رسد پیام تصویری چیزی شبیه ارسال فاکس امروزی بوده است.

پ) مبادله پول و کالا

از موارد دیگری که به‌جز نامه میان رزمندگان و خانواده از طریق پست ردوبدل می‌شد، پول و کالا بود. کالاها شامل سوغاتی‌هایی که رزمندگان برای خانواده پست می‌کردند و نیز عمدتاً لباس یا خوراکی‌هایی بودند که خانواده‌ها برای رزمنده‌های خود در جبهه ارسال می‌کردند. در این مورد طبق مشاهدات کارکنان پست، «غیر از نامه، لباس و خوراکی مثل پسته از رفسنجان برای رزمنده‌ها می‌فرستادند. پاکت پول زیاد می‌فرستادند. بعضی را بیمه می‌کردند بعضی هم کنار همان نامه، پول می‌فرستادند. این پول‌ها در زمان مرخصی لازم می‌شد.» (سید محمد پورصادقی، ۱۳۹۱/۷/۲۶).

ارسال پول کاری بود که در آن زمان به دلیل فقدان خدمات بانکی الکترونیکی و عابربانک‌ها توسط پست انجام می‌شد. مهدی‌زاده معاون وقت اداره پست در این باره می‌گوید: «قبلاً ارسال پول نقد از طریق پست بود و مهرولاک می‌شد. مبلغ یادداشت می‌شد. ارسال پول هم رایگان انجام می‌شد. البته در حالت عادی وجهی دریافت می‌شود. امروزه بانک این کار را می‌کند.» (عباس مهدی‌زاده، ۱۳۹۱/۷/۲۳).

ت) جمع‌آوری و ارسال کمک‌های مردمی برای جبهه

در کنار خدماتی که اداره پست به صورت تخصصی برای کمک به جبهه انجام می‌داد، کارکنان و مسئولین این اداره مانند مردم و سایر ادارات، کمک‌های مالی ای برای پیشبرد جنگ نیز اعطا می‌کردند. این کمک‌ها در قالب تخصیص دادن بخشی از حقوق ماهیانه انجام می‌گرفت. در مواردی نیز کمک‌های غیرنقدی شامل اجناس مورد نیاز از سوی کارمندان هدیه می‌شد. کمک‌های مالی کارکنان به جبهه و کسر از حقوق با اجازه و اختیار خود آن‌ها صورت می‌گرفت و پس از تجمیع تحویل نهادهای مربوطه

می‌شد؛ «بعضی وقتها اجازه می‌دادیم مبلغی از حقوق ما را برای کمک به جبهه کم کند. مثلاً ۲۰۰۰ تومان جمع‌آوری می‌شد طی نامه ای می‌فرستادند.» (سید محمد حسینی، ۱۳۹۱/۲/۲۸)

یکی دیگر از جنبه‌هایی که اداره پست در راستای جمع‌آوری کمک‌های مردمی نقش آفرینی می‌کرد، ارسال اجناس اهدایی به اهواز بود. البته این امر زیاد متداول نبود و بیشتر از طریق نهادهایی مانند سپاه یا ستاد پشتیبانی جنگ انجام می‌شد؛ به نحوی که بسیاری از کارکنان اعلام کردند کمک‌های مردمی عمده از طریق پست ارسال نمی‌شد (بهمن حسن‌پور، ۱۳۹۱/۸/۲۸)؛ اما طبق روایت مهدی‌زاده، معاون وقت اداره کل پست در کرمان، گاهی اداره پست به درخواست نهادهای مربوط مانند ستاد پشتیبانی جنگ، برخی از وسایل نقلیه خود را برای ارسال کمک‌های کالایی در اختیار قرار می‌داده است. همچنین، در صورتی که مردم شخصاً به اداره پست مراجعه می‌کردند و خواستار ارسال پستی کمک‌های خود بودند، اداره پست داوطلبانه این کار را رایگان انجام می‌داد؛

«کمک‌های غیرنقدی اگر لشکر چیزی می‌خواست بفرستد به عنوان امانتی رایگان پست می‌کردیم. البته محتویات مرسوله، کنترل می‌شد و معمولاً خوراک و پوشاک بود. مثلاً ما ماشین‌مردا فرستادیم که از بین هم رفت. جهاد سازندگی از ما درخواست می‌کرد ما کامیون دادیم یا وانت دادیم. کامیون مسقف با راننده برای جابه‌جایی مواد غذایی تحویل می‌دادیم. اگر دستگاهی ماشین داشت خودش ماشین می‌داد. اداره حسابداری مسئول کمک‌های نقدی بود. یک‌جا طی نامه‌ای اعلام می‌کرد به لشکر و فیش را می‌فرستاد. مسئول این کار فکر کنم حاج آقا احمدی بودند با آقای رحیمی که رئیس اداره اداری و مالی بود. در مواقع دیگر، سازمان‌های دیگر خودشان مستقیم می‌فرستادند. کمک‌های ارسالی بر اساس وزن، بسته‌بندی خاص داشتند. مهر می‌شد و ارسال می‌شد. خودم تمایل داشتم رایگان بفرستم.» (عباس مهدی‌زاده، ۱۳۹۱/۷/۲۳).

هرچند در نقل‌قول‌ها به ارسال پستی کمک‌های مردمی

است. با توجه به اینکه دفتر پست راهیان کربلا در اهواز بود و تا حد زیادی از صحنه درگیری‌های مستقیم فاصله داشت، خطرات و تهدیدات جانی جالب توجهی نسبت به نیروهای اعزامی اداره پست مشاهده نمی‌شد؛ با وجود این، در میان روایت‌ها، مواردی از حملات دشمن و خطرات جانی به چشم می‌خورند؛ «یک بار هواپیماهای عراقی آمدند نزدیک کانکس حوالی ۵ عصر بمباران کردند اما کانکس ما آسیب ندید. فاصله کانکس تا خط مقدم زیاد بود. خطرات کم بود و فقط هوایی تهدید می‌شد. حتی چند بار روی شهر اهواز هم زدند. گاهی هم هواپیماها هم فقط رد می‌شدند و در اوج هم پرواز می‌کردند.» (محمود مختارآبادی، ۱۳۹۱/۸/۲۲).

با این حال، عمده خطرات در خط مقدم و جایی بود که نماینده‌های گردان‌ها برای توزیع نامه تردد داشتند. یکی از کارکنان اشاره می‌کند چندین بار خبر زخمی شدن این نماینده‌ها را شنیده و برای همین، روند توزیع نامه‌ها با اختلال مواجه شده است. همچنین، به شهادت چندین نامه‌رسان که البته از اعضای خود گردان بوده‌اند اشاره شده است (احمد حاتمی، بی‌تا).

به طور کلی، از میان کارکنان اداره پست موردی از جانبازی گزارش نشده و اگر احیاناً موردی وجود داشته، مربوط به اعزام‌های داوطلبانه و غیرمأموریتی یا پیش از استخدام در اداره پست بوده است. برای مثال، یکی از کارکنان که پیش از استخدام در یگان دریایی سپاه بوده است، اشاره می‌کند: «جانباز شیمیایی هستم. از ناحیه چشم و ریه مجروح هستم. ۶۷/۱/۲۸ شیمیایی شدم که در عملیات بازپس‌گیری فاو بود.» (محمد خدایاری، ۱۳۹۱/۷/۲۹).

یکی دیگر از مجروحان نیز زنگی آبادی است که گفته در زمان استخدام در اداره پست، چندین بار به عنوان نیروی رزمی در جبهه شرکت کرده و در عملیات حصر آبادان مجروح شده است (عباس زنگی آبادی، بی‌تا). نیز در روایتی دیگر آمده است به دلیل کمک در جابه‌جایی مجروحان شیمیایی، کارمندی از اداره پست دچار اثرات سوء ناقل‌های شیمیایی شده است (بهمن حسن‌پور،

با کامیون‌های پست نیز اشاره شده است (محمد امیرمجاهد، ۱۳۹۱/۷/۲۲)، می‌توان چنین پنداشت که این امر رویه کلی نبوده و در مواردی معدود انجام می‌شده است.

ث) برنامه‌های فرهنگی اداره پست در راستای جنگ

به منظور فرهنگ‌سازی در زمینه تشویق مردم و کارکنان به امر جهاد و شرکت در جنگ، اداره پست برخی از فعالیت‌ها را نیز در سال‌های ۵۹ تا ۶۷ انجام داده است. یکی از پر نمودترین و شایع‌ترین این فعالیت‌ها چاپ تمبر با موضوع‌های شهادت و دفاع مقدس بوده است. با توجه به اقبال که در آن زمان نسبت به تمبر و در مواردی جمع‌آوری آلبوم‌های تمبر وجود داشت، این امر دارای اهمیت بوده است. البته، در این زمینه اداره پست فقط نقش پیشنهاددهنده داشت؛ «برای چاپ تمبر ما فقط پیشنهاد می‌دادیم. چون اوراق بهادار بود زیر نظر وزارت دارایی بود. مثلاً پیشنهاد می‌دادیم برای لشکر ۴۱ ثارالله تمبر بزنید.» (عباس مهدی‌زاده، ۱۳۹۱/۷/۲۳).

دسته دیگری از فعالیت‌های فرهنگی اداره پست سخنرانی در راستای تشویق کارکنان به شرکت در جنگ و انجام مأموریت در جبهه بوده است؛ «می‌رفتم نمازجمعه درباره خدمات پست صحبت می‌کردم یا ایامی که ۱۷ مهر روز جهانی پست بود همه مسئولان شهر بابک و خانواده شهدا را دعوت می‌کردیم در محل اداره پذیرایی می‌شدند و درباره پست صحبت می‌کردیم. در دوران جنگ به عنوان مسئول پست با کارمندانمان صحبت می‌کردیم و نیروهای نمایندگی را دعوت می‌کردیم تشویق می‌کردیم بروند جبهه. خودم هم خیلی دوست داشتم بروم.» (محمدعلی عرفانی، ۱۳۹۱/۲/۲۸). گاهی نیز در مراسم روز جهانی پست، از سوی نیروهای اعزامی خاطره‌گویی انجام می‌شد (عباس مهدی‌زاده، ۱۳۹۱/۷/۲۳).

ج) شهدا، مجروحان و ایثارگران اداره پست

بر مبنای مصاحبه‌ها و جست‌وجوهای که انجام شدند، اداره کل پست کرمان شهیدی در دوران دفاع مقدس نداشته

۱۳۹۱/۸/۲۸).

منابع

امیرمجاهد، محمد (۱۳۹۱/۰۷/۲۶). مصاحبه‌کننده: راضیه گلسرخی. کرمان: مؤسسه هنری حماسه ثارالله.

باقری‌نژاد، حسین (۱۳۹۱/۰۸/۲۴). مصاحبه‌کننده: راضیه گلسرخی. کرمان: مؤسسه فرهنگی هنری حماسه ثارالله.

پورصادقی، سید محمد (۱۳۹۱/۰۷/۲۶). مصاحبه‌کننده: نامعلوم. کرمان: مؤسسه فرهنگی هنری حماسه ثارالله.

حاتمی، احمد (بی‌تا). مصاحبه‌کننده: راضیه گلسرخی. کرمان: مؤسسه فرهنگی هنری حماسه ثارالله.

حسن‌پور، بهمن (۱۳۹۱/۰۸/۲۸). مصاحبه‌کننده: راضیه گلسرخی. کرمان: مؤسسه فرهنگی هنری حماسه ثارالله.

حسینی، سید محمد (۱۳۹۱/۰۸/۲۲). مصاحبه‌کننده: راضیه گلسرخی. کرمان: مؤسسه فرهنگی هنری حماسه ثارالله.

خدایاری، محمد (۱۳۹۱/۰۷/۲۹). مصاحبه‌کننده: راضیه گلسرخی. کرمان: مؤسسه فرهنگی هنری حماسه ثارالله.

زنگی‌آبادی، عباس (بی‌تا). مصاحبه‌کننده: نامعلوم. کرمان: اداره پست.

سالاری، محمد (۱۳۹۱/۰۸/۲۲). مصاحبه‌کننده: راضیه گلسرخی. کرمان: مؤسسه فرهنگی هنری حماسه ثارالله.

شادمان، ماشاءالله (بی‌تا). مصاحبه‌کننده: راضیه گلسرخی. کرمان: اداره مخابرات.

شجاعی، مهدی (۱۳۹۱/۰۷/۱۶). مصاحبه‌کننده: نامعلوم. کرمان: اداره پست.

عرفانی، محمدعلی (۱۳۹۱/۲/۲۸). مصاحبه‌کننده: راضیه گلسرخی. کرمان: اداره مخابرات.

کامکار، نصرت‌الله (۱۳۹۱/۰۸/۱۱). مصاحبه‌کننده: راضیه گلسرخی. کرمان: مؤسسه فرهنگی هنری حماسه ثارالله.

مختارآبادی، محمود (۱۳۹۱/۸/۲۲). مصاحبه‌کننده: راضیه گلسرخی. کرمان: اداره مخابرات.

مهدی‌زاده، عباس (۱۳۹۱/۰۷/۲۳). مصاحبه‌کننده: راضیه گلسرخی. کرمان: مؤسسه فرهنگی هنری حماسه ثارالله.

یوسفی، حسین (۱۳۹۱/۰۷/۲۶). مصاحبه‌کننده: راضیه گلسرخی. کرمان: مؤسسه فرهنگی هنری حماسه ثارالله.

در نهایت، نقل مهدی‌زاده معاون اداره کل پست کرمان شاهدهی بر این مدعاست: «از کارمندانمان تا جایی یادم هست مجروح نداشتیم. ممکن هست خودشان بسیجی اعزام شده باشند جانباز شده باشند. نامه‌هایی می‌آمد که مثلاً فلان کارمند، خودش بسیجی اعزام شده و الان جانباز است. ما برایشان ترفیع در نظر می‌گرفتیم. سازمان پست کرمان دو سه آزاده داشت. الان هم مشغول کارند. جانباز هم داشتیم. شهید یادم نمی‌آید.» (عباس مهدی‌زاده، ۱۳۹۱/۷/۲۳).

نتیجه گیری

در این مقاله، با استناد به داده‌هایی که از مصاحبه با کارکنان وقت ادارات پست در سطح استان کرمان جمع‌آوری شده بود، سعی شد تا به وظایف و نقش‌هایی که اداره پست استان کرمان در دوران دفاع مقدس داشته است اشاره شود. در بررسی این داده‌ها، به این نتیجه دست یافتیم که این اداره با تبادل منظم، سریع و مداوم نامه و در مواردی معدود، تلگراف و پیام تصویری، ارتباط میان رزمندگان و خانواده‌های آنان را چه در جبهه و چه در برخی از موارد در زمان اسارت برقرار می‌کرده است و از این طریق، روحیه مناسب برای تداوم نبرد و دفاع در برابر دشمن متجاوز را در میان رزمندگان حفظ می‌کرده است. همچنین، کارمندان اداره پست مانند هر اداره دیگری بخشی از حقوق خود را به عنوان کمک به جبهه در اختیار بخش مالی اداره قرار می‌داده‌اند. در مواردی معدود نیز ارسال کمک‌های مردمی به جبهه با تجهیزات این اداره انجام می‌شده است. حمایت از رزمندگان و تشویق به شرکت در جهاد علیه دشمن نیز از طریق فعالیت‌های فرهنگی همچون چاپ و توزیع تمبر و سخنرانی میان مردم و کارکنان از دیگر کارویژه‌های اداره پست کرمان بوده است. برخی از کارکنان این اداره نیز از جانبازان دوران دفاع مقدس هستند.

